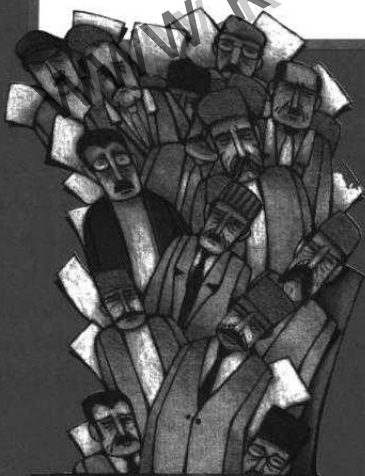


رازهای

دو عصا

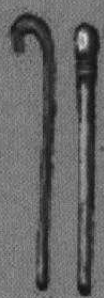




موشکافه : بگلانی، محسن، ۱۳۴۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : رازهای نو عصاره نویسنده محسن بگلانی | تصویرگر محمدحسین سلواتیان |
 طراح گرافیک: امیروحید سعیدیفر.
 مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، کتابهای گل آبی، ۱۳۴۱.
 مشخصات ظاهری : ۲۸ ص: مصور ۱۶/۵ x ۱۱/۵ | گریم
 شابک : 978-964-495-647-8
 وضعیت فهرست نویسی : آفایا
 موضوع : داستان‌های نوجوان فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : Young adult fiction, Persian -- 20th century
 شناسه افزوده : سلواتیان، محمدحسین. - ۱۳۴۰ - تصویرگر
 شناسه افزوده : سعیدیفر، امیروحید. - ۱۳۴۷ - گرافیک
 رده بندی کنگره : PIR۷۱۲۲
 رده بندی انجمن : [C]۸۴۳/۲۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۷۵-۸۵۹۲
 وضعیت رکورد : آفایا



موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
 تلفن: ۰۲۱-۸۴۶۸۹۵۰
 پ. م: ۴۴۱۳۱۱
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱
 www.ketab.ir



موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
 محمدحسین سلواتیان
 امیروحید سعیدی فرد
 اولوم/۱۴۰۰
 ۲۰۰۰ نسخه
 جعفری - صداقت
 ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۵-۶۴۷-۸
 ۲۵۰۰۰ تومان

ناشر:
 نویسنده:
 تصویرگر:
 طراح گرافیک:
 نوبت چاپ:
 شمارگان:
 چاپ و صحافی:
 شابک:
 قیمت:



مقدمه:

آیا تا کنون در باره عصای فرعون چیزی شنیده‌اید؟ فرعون عصا داشت. عصای فرعون زرنشان و بسیار گران بها بود. اما فقط برای فخر فروشی و تکبر در دست فرعون قرار می‌گرفت. حضرت موسی (ع) هم عصا داشت. عصای موسی (ع) یک چوب ساده و معمولی بود. حضرت موسی (ع) به آن تکیه می‌کرد. و با آن گوسفندانش را می‌راند و کارهای دیگری هم از عصا بر می‌آمد. وقتی حضرت موسی (ع) به اذن پروردگار عصایش را رها کرد. عصا اژدها شد و سحر همه جادوگران دربار فرعون را بلعید. و بار دیگر هنگامی که موسی (ع) عصایش را به سنگ زد از دل سنگ دوازده چشمه آب گوارا جوشید و جاری شد. و باز زمانی که موسی (ع) عصایش را به رود نیل زد. رود بزرگ نیل از هم شکافته شد حضرت موسی (ع) و یارانش از آن عبور کردند و فرعون و سپاهیان در آب غرق شدند. عصای موسی (ع) چون در دست او بود معجزه می‌کرد و گرنه یک چوب معمولی بود. همانند چوب‌های دیگر. از عصای آقا سید حسن هم کار بر می‌آمد. وقتی به خاطر خدا از روی خشم و نفرت عصایش را به سمت کسی نشانه می‌رفت قهر خداوند آن فرد را فرا می‌گرفت. و زمانی که از روی مهر و محبت کسی را نوازش می‌کرد رضایت الهی را بشارت می‌داد. رضاشاه هم عصا داشت. عصایی همانند عصای فرعون که فقط می‌توانست با آن مردم مظلوم و بی‌پناه را تنبیه و برای دیگران قیافه گرفته و فخر فروشی کند. حکایت این کتاب، حکایت دو عصا است. اما فقط حکایت دو عصا نیست. حکایت تاریخ است.

فهرست

- ۶ من یک عصا هستم
۷ زنده باد مدرس
۱۰ یک گالری اثاث
۱۲ شوستر آمریکایی
۱۳ قزاق خشن
۱۵ استیضاح
۱۷ آقای توهو ارباب من
۲۰ چکمه پوشی در حرم
۲۵ نامرد حقه‌باز
۲۹ پلیس یا تروریست؟
۳۰ رأی خودم چه شد؟
۳۳ مدرس زنده است
۳۴ نه پیشکشی نه فریب
۳۸ یا سازش یا تبعید!
۴۱ هنر مردن
۴۴ وقوع یک پیشگوئی
۴۷ پانویس‌ها

